

و انی لار جوالا من عند ممانی . و این قصیده در بعضی روایات بخانه پست
 زیادست و در ایادی که قبور اهل بیت کرده است و چنین روایت است
 که در آن قصیده چون باین بیت رسید که **و قیر یغیث اذ نفس تکلیفیه**
 تصدقها الرحمن فی العقرات . رضارضی الله عنه فرمود که ای پسر
 بدین موضع بیتی الحاق کن که قصیده تو بیان تمام شود گفت بلی یا این
 رسول الله فرمود که **و قیر یطوس بالهام مصیبه** . اطیب علی الاصفار
 بالقرات . و عیال برسد که این قیر که خواهد بود یا این رسول الله
 فرمود که قبر من زود بود که طوس محل آینه شدن دوستان و محبان
 بیت شود هر که هر از یارت کند درین غریب باین باشد در درجه من
 در روز قیامت **آخر زیده دار الجمله** **النت** که یکی از گوینان گفته است
 از کوفه بعزیمت خراسان بیرون آمدم و حشر حلیمین داد که این را
 بفروشم و برای من قیر و زهر بخیر چون بگرم رسیدم علامان رضا
 رضی الله عنه آمدند که یکی از خادمان وی فوت شده است حمله که
 دارای ما فروشنس تا کفن وی سازیم من گفته که ای پسر حمله دارم
 برفتند دیگر باز آمدند که مولای ما ترا اسلام میرساند و میگوید که با

حمله هست که دختر تو بود داده است که بفروشی قیر و زهر غری ای ملک
 بسای از آن آوردیم حمله را ایشان دادیم و بعد از آن با خود گفتیم
 از وی مسله بخریم بر رسم که چه جواب میدهد بدین مسله بر جای
 نوشتیم و باید ادب در خانه وی رفتیم از از در جام مردمان بحال
 آن نشد که و بر آیه پیغمبر جای آنکه بر رسم خیر استاده نگاه
 غلامی بیرون آمد و نام من برده و نوشته کین داد که ای فلان
 این جواب مسایل است چون نگاه کردم خواب مسلمان
 من بود **دار الجمله** **النت** که یکی از انالی بناج گفته است که
 رسول صلی الله علیه و سلم را در خواب دیدم که ببلخ آمده است
 پیش وی رفتم و سلام کردم در نظر وی طبیعی بود از برک
 درخت خرما بافته بر آن خرما می صحافی رسول صلی الله علیه و سلم
 لغی از آن خرما میس داد و بشدمم هضده بود با خود پیغمبر جان کرد
 که بعد در خرما می سالی خواهم زبیت چون از بیت روزگاری پیش
 شنیدم که رضارضی الله عنه در آن مسجد مسرود آمده است
 فی الحال بخندست وی سناقم در بر سر عمان موضع که رسول صلی

حمله است که درم کند